

واکاوی آرا موافقان و مستندات مخالفان در باب مسئله مالکیت معنوی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۶/۱۸)

سیدرضا میرعظیمی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر واکاوی آرا موافقان و مستندات مخالفان در باب مسئله مالکیت معنوی می باشد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. فقیهان مسلمان اعم از فقه های امامیه و اهل تسنن در موضوع حقوق معنوی، دارای دو دیدگاه می باشند: دیدگاه اول: فقیهانی که قائل به نفی اعتبار حق شرعی حقوق مالکیت معنوی هستند. دیدگاه دوم: آرای فقیهان موافق حقوق معنوی، که معتقد به شرعی بودن آن هستند. بررسی ها نشان داد موافقان مالکیت معنوی بیان می کنند که عدم پذیرش حقوق مالکیت معنوی را در جامعه موجب هرج و مرج و مشروعیّت آن را امری عقلی دانسته و بر این باورند که: «حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع گذشته وجود نداشته است؛ زیرا مؤلفین در تألیفات و نوشته های خود، منافع شخصی خویش را در نظر نمی گرفتند؛ اما پس از آن که کتاب، وسیله ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود، در مرحله اول خودش استفاده کند. برخی از فقیهان با استدلال به این که زمینه های اعتبار مالکیت فکری در آن زمان وجود نداشته، از اعتبار و ذی حق بودن پدیدآورنده، سخنی نگفته اند و همین امر نشان می دهد که مالکیت فکری را به رسمیت نشناخته اند. امام خمینی (ره) حق طبع را حق شرعی ندانسته و این که روی کتابی یا اثری عبارتی بدین مضمون که «حق چاپ و تقلید محفوظ است» نوشته شود، باعث پدید آمدن هیچ حقی برای مؤلف و ناشر نمی شود ایشان تحریف کتاب و انتساب آن به مؤلف را هتک حرمت صاحب اثر و لطمه به شخصیت معنوی و موقعیت اجتماعی وی می دانند لطف الله صافی گلپایگانی معتقد است که دلیلی برای اثبات حق مالکیت فکری وجود ندارد. چنانکه توضیح می دهند که از آنجا که این حقوق در زمان شارع نبود، عدم رد شارع نشان تایید آن نیست. البته ایشان در تدبیر شرط ضمن عقد با دخالت حاکم شرع را برای مشروعیّت حق مالکیت فکری پیشنهاد می کنند. مستندات و دلایل مخالفان مالکیت های معنوی شامل عدم اعتبار آن از سوی عقل و عقلا، اموال معنوی جزو

سرمایه‌های عمومی، عدم منشأ انتزاع این حقوق در شرع اسلام، تنافی مالکیت فکری با قاعده سلطنت، تنافی مالکیت فکری با مذاق شریعت، ناسازگاری مالکیت‌های معنوی با آزادی تجارت و ناسازگاری مالکیت معنوی با رسالت و قداست علم است.

واژگان کلیدی: مالکیت معنوی، فقهای موافق مالکیت معنوی، فقهای مخالف مالکیت معنوی، حرمت صاحب اثر

بخش اول: کلیات

در مورد اموال معنوی مفهوم واژه مالکیت معنوی مطرح است. «اصطلاح مالکیت معنوی معادل Intellectual Property در انگلیسی است. باید به این نکته توجه داشت که وقتی که مالکیت به طور مطلق و بدون قید به کار می‌رود، منظور مالکیت عین است، اما مالکیت شامل مالکیت منفعت نیز هست، به علاوه امروزه کلمه مالکیت برای پاره‌ای حقوق که همانند حقوق عینی است، ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست، بلکه فعالیت فکری انسان است، نیز به کار می‌رود.^۱ تاکنون از مالکیت معنوی تعاریف متعددی صورت گرفته است که ناشی از تنوع مصادیق و تفاوت مبانی حقوقی آن است. حقوق دانان در تعریف مالکیت معنوی اتفاق نظر ندارند، لذا بیشتر به جای تعریف از این حقوق، ترجیح داده‌اند، صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفا کنند.^۲ باز خوانی برخی از این تعاریف در این مقام مفید به فایده است. کاتوزیان در تعریف آن می‌نویسد: «حقوق معنوی، حقوقی است که به صاحب آن اجازه می‌دهد از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا فکر انسان منحصراً استفاده کند.» ایشان حقی که تاجر و صنعت گر نسبت به نام تجاری یا شکل خاص علامت کالاها و فرآورده‌های خود دارد، و یا حق مخترع بر اختراع خود را در شمار حقوق معنوی می‌دانند. صفایی مالکیت‌های فکری یا معنوی را حقوقی می‌داند که دارای ارزش اقتصادی، و داد و ستد است؛ ولی موضوع آن‌ها شیء معین مادی نیست. از نظر ایشان موضوع این حقوق در واقع فعالیت و اثر فکری انسان است.^۳ در زمینه حقوقی،

۱. صفائی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، ص ۱۷۰

۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی مدنی (اموال و مالکیت)، ص ۲۳

۳. صفائی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، ص ۳۰۹

مباحث و تحقیقات زیادی در موضوع حقوق معنوی انجام گرفته است، اما با توجه به نوظهور بودن آن، در میان فقیهان شیعه به صورت مستقل مورد تحقیق مبسوط قرار نگرفته است، فقط در پاره ای از اقسام این مالکیت‌ها مانند: حق تألیف، حق اختراع، نام تجاری، سرقفلی و... در پاسخ به استفتائاتی که از آنان شده، اظهارنظرهایی انجام شده و یا مقالات مختصری نگاشته اند و با بیانی شرعی و فقهی استدلال کرده اند. در کتب فقهی تعریفی پیرامون مالکیت‌های معنوی نشده است و نمی‌توان مطالبی در زمینه ماهیت این نوع مالکیت‌ها یافت؛ ولی از مجموع نظرات ارائه شده در مقالات و فتاوی، می‌توان در مورد ماهیت فقهی حق مالکیت معنوی، دیدگاه‌هایی رو احصاء نمود و مالکیت معنوی را جزء مالکیت مطرح در فقه دانست و نه نوعی جدیدی از مالکیت. چنانکه حق معنوی را حقی دانست غیر از حق عینی و حق ذمی؛ از این رو نه به عین و نه به ذمه تعلق می‌گیرد؛ بلکه مزیتی است قانونی و غیرمادی که حاصل فعالیت فکری انسان می‌باشد. مباحث فقهی در مورد حقوق مالکیت‌های معنوی به ویژه حق نویسنده و مؤلف و هنرمند جزء مسائل مستحدثه ای است که در هیچ کدام از کتب فقهی متقدمین به آن پرداخته نشده است و تنها تعداد کمی از فقهای معاصر در قالب استفتاء از آن بحث نموده اند. فقیهان مسلمان اعم از فقهای امامیه و اهل تسنن در موضوع حقوق معنوی، دارای دو دیدگاه می‌باشند: دیدگاه اول: فقیهانی که قائل به نفی اعتبار حق شرعی حقوق مالکیت معنوی هستند. دیدگاه دوم: آرای فقیهان موافق حقوق معنوی، که معتقد به شرعی بودن آن هستند. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر واکاوی آرا موافقان و مستندات مخالفان در باب مسئله مالکیت معنوی می‌باشد.

بخش دوم: مبانی نظری پژوهش و تحلیل حقوقی موضوع

بند اول: سیر تحول در حقوق مالکیت معنوی در اندیشه‌های فقهی معاصر

توضیح آنکه فقیهان مسلمان اعم از فقهای امامیه و اهل تسنن در موضوع حقوق معنوی، دارای دو دیدگاه می‌باشند:

دیدگاه اول: فقیهانی که قائل به نفی اعتبار حق شرعی حقوق مالکیت معنوی هستند.

دیدگاه دوم: آرای فقیهان موافق حقوق معنوی، که معتقد به شرعی بودن آن هستند.

۱. انگاره‌های مخالفت مالکیت معنوی

در این جا به تبیین دیدگاه‌های مخالفین به ویژه امام خمینی (ره) در مورد حقوق مالکیت‌های معنوی، می‌پردازیم امام خمینی (ره) عدم مشروعیت مالکیت‌های معنوی را در چند مسأله بیان نموده اند؛ «آنچه که معروف به حق تألیف شده است، حق شرعی به حساب نمی‌آید و نفی سلطه مردم بر اموالشان (در

اینجا خریداران کتاب) بدون این که عقدی و شرطی در میان باشد جایز نیست؛ بنابراین چاپ کتاب و نوشتن جمله «حق چاپ و تقلید محفوظ است» فی نفسه حقی ایجاد نمی کند و دلالت بر التزام دیگران نمی نماید. بنابراین دیگران می توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند و هیچ کس نمی تواند مانع آن ها در این کار شود.^۱ همانطور که ملاحظه شد، ایشان حق طبع را حق شرعی ندانسته و این که روی کتابی یا اثری عبارتی بدین مضمون که «حق چاپ و تقلید محفوظ است» نوشته شود، باعث پدید آمدن هیچ حقی برای مؤلف و ناشر نمی شود. منظور از حق طبع در مسأله فوق، اعم از حق چاپ برای مؤسسه انتشاراتی، ناشر و چاپخانه است. هر چند موضع امام نسبت به حق مادی پدیدآورنده موضعی منفی است؛ ولی در مورد حق معنوی مؤلف در استفتائی که از ایشان به عمل آمده، تحریف کتاب و استناد آن به مؤلف را جایز نمی داند.^۲ باتوجه به عبارت مذکور چنین بر می آید، کسی حق ندارد آثار دیگران را تحریف کرده و به مؤلف نسبت دهد. این امر به دلیل این که به شخصیت و حیثیت پدیدآورنده لطمه وارد می کند، موجب حرمت است. ایشان تحریف کتاب و انتساب آن به مؤلف را هتک حرمت صاحب اثر و لطمه به شخصیت معنوی و موقعیت اجتماعی وی می دانند و این عمل از دیدگاه مکتب الهی اسلام که ارزش فراوانی برای انسان و انسانیت قائل است، امری مذموم و قابل نکوهش است. در این زمینه گفته شده: «حضرت امام هم که فرموده اند، این حق شرعی نیست، مسأله حق التألیف و وحق النشر و حق الاختراع است؛ اما این که بیایم مطلب شما را از کتاب شما سرقت کنیم و به نام خودم چاپ کنم یا یک تئوری شما را بردارم و به دروغ ادعا کنم مال من است. امام هیچ گاه نگفته است که این حق شرعی نیست. بلکه حتماً خلاف و جرم است و مجازات دارد. این دیگر تخلف اخلاقی و ادبی و هنری نیست، جرم است.»^۳

امام خمینی (ره) پس از بیان دیدگاه خویش در باب عدم مشروعیت و اعتبار شرعی حقوق مالکیت های ادبی و هنری، در ادامه نظر خویش را درباره حقوق مالکیت های صنعتی و تجاری بیان می نمایند: «آنچه معمول است از ثبت صنعت برای مخترع آن و منع دیگری از تقلید و تکثیر آن، شرعاً اثری ندارد و منع

۱. الثالث: ما یسمی عند بعض بحق الطبع لیس حقاً شرعياً، فلا یجوز سلب تسلط الناس علی أموالهم بلا تعاقد و تشارط، فمجرد طبع کتاب والتسجيل فيه: بأن حق الطبع والتقليد محفوظة لصاحبه، لا یوجب شیئاً، ولا یعدّ قراراً مع غیره، فجاز لغيره الطبع و التقليد، ولا یجوز لأحد منعه عن ذلك. (خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ص ۹۹۱-۹۹۲)

۲. عمیق، امید، مالکیت های معنوی، ص ۱۲۸

۳. موسوی بجنوردی، سید محمد، میزگرد هم شهری پیرامون حقوق آفرینش های فکری، ش ۲۳، ۲۴ و ۲۵

دیگری از تقلید آن و تجارت با آن، جایز نیست و کسی حق ندارد سلطه دیگری را از اموال او و خود او سلب کند.^۱

در این جا نیز امام به عدم اعتبار شرعی حقوق مالکیت‌های صنعتی، به ویژه حق مخترع در انحصار اختراع اشاره می‌کنند. در ادامه ایشان در مورد حصر تجارت می‌فرمایند: «آنچه معمول است از حصر تجارت در چیزی یا چیزهایی به مؤسسه ای یا تجاری و مانند این‌ها شرعاً اثری ندارد و جلوگیری دیگری از تجارت و صنعت که حلال است و حصر آن‌ها در اشخاص، جایز نیست».^۲

لطف الله صافی گلپایگانی (۱۲۹۷ ه.ش) بر این باور است که: «حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می‌نمایند، این حقیر نتوانسته ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم. و از عقود و معاملات نیز نیست که بتوانیم بگوییم مشمول ادله ای مثل «أَفُوقُوا بِالْعُقُود»^۳ است. در زمان شارع مقدس هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده؛ اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عبارت اخری، بنابر عدم اعتبار بوده است. و اگر هم گفته شود: این حقی است که عرف زمان ما آن را اعتبار می‌کند، که چون شارع از آن ردع نکرده است، از عدم ردع او استکشاف امضا می‌نمایم و معتبر است. جواب این است که عدم ردع، نسبت به حقوقی که در عصر شارع بین عرف متعارف و معتبر بوده است، دلیل بر امضای آن حقوق و مشروعیت آن هاست؛ اما از آن ادله لفظیه، اطلاق و عموم استفاده نمی‌شود، تا بتوان نسبت به حقوقی که در عصور متأخره از عصر شارع مقدس و ائمه طاهرین^۷ عرف یا برحسب قوانین موضوعه، مستحدث می‌شود، با اطلاق به عموم آن تمسک نمود.

۲. انگاره‌های موافقت مالکیت معنوی

محمد فاضل لنکرانی (۱۳۱۰ ه.ش _ ۱۳۸۶ ه.ش) در زمینه حق چاپ بر این باور است که: «حق چاپ از حقوق ثابت عقلانیه است و مختص به مؤلف یا ناشر می‌باشد؛ لذا تکثیر آن بدون اجازه آن‌ها جایز

۱. الرابع: ما تعارف من ثبت صنعة لمخترعها و منع غيره عن التقليد و التکثیر، لا أثر له شرعاً، ولا يجوز منع الغير عن تقليدها و التجارة بها، و ليس لأحد سلب سلطنة غيره عن أمواله و نفسه. (خمینی، روح الله، تحرير الوسیله، ص ۹۹۲)

۲. الخامس: ما تعارف من حصر التجارة في شيء أو أشياء بمؤسسة أو تجار و نحوهما، لا أثر له شرعاً، ولا يجوز منع الغير عن

التجارة و الصنعة المحکلتين و حصرهما في أشخاص. (خمینی، روح الله، تحرير الوسیله، ص ۹۹۲)

۳. مانده، ۱

نیست.^۱

محمد حسن مرعشی (۱۳۱۶ ه.ش _ ۱۳۸۷ ه.ش) عدم پذیرش حقوق مالکیت معنوی را در جامعه موجب هرج و مرج و مشروعیت آن را امری عقلی دانسته و بر این باورند که: «حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع گذشته وجود نداشته است؛ زیرا مؤلفین در تألیفات و نوشته‌های خود، منافع شخصی خویش را در نظر نمی‌گرفتند؛ اما پس از آن که کتاب، وسیله‌ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود، در مرحله اول خودش استفاده کند؛ زیرا کتابی را که تألیف کرده، ساخته و پرداخته خود اوست و منطقی به نظر نمی‌رسد که کس دیگری از نوشته و اثر ثروتمند گردد، اما خودش در فقر و احتیاج به سر برد. فلذا در شرایط کنونی، مؤلف این حق را پیدا کرده که از منافع مادی کتاب خود استفاده کند و استفاده دیگران را مشروط به موافقت خود گرداند.»^۲

حسین وحید خراسانی (۱۲۹۹ ه.ش) در جواب استفتائی پیرامون حقوق مالکیت فکری و معنوی مانند حق التألیف و حق اختراع و مواردی همچون تولید بسته‌های نرم افزاری، چنین پاسخ داده اند که: «بنابر احتیاط واجب استنساخ و بهره برداری‌هایی از این قبیل، از آثار دیگران، باید با اجازه صاحب اثر باشد، در صورتی که محترم المال باشد، بی اجازه بنابر احتیاط جایز نیست.»^۳

ناصر مکارم شیرازی (۱۳۰۵ ه.ش) براین باور است که: «ما معتقدیم که حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن، یک حق شرعی و قانونی است و از نظر اسلامی باید به آن احترام گذاشت. به تعبیر دیگر، اهمیت مالکیت‌های فکری کم تر از مالکیت‌های عینی نیست و حکومت اسلامی باید عهده دار حفظ آن باشد. دلیل ما در این حق این است که ما همواره موضوعاتی را از عرف می‌گیریم و احکام را از شرع، مثلاً وقتی ما می‌گوییم قمار حرام است، حکم تحریم از قرآن و احادیث اسلامی گرفته شده است. اما موضوع قمار چیست، البته به تشخیص عرف است.

سید محمد صادق روحانی (۱۳۰۵ ه.ش) براین باورند که «هرکس چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه اش بوده و بنابراین مالک و صاحب آن است و حق دارد دیگران را از هرگونه دخل و تصرفی در آن باز دارد؛ زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر حرمت انتفاع و تصرفات معنوی، مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز

۱. لئکرانی، محمد فاضل، جامع الاستفتاءات، ص ۴۲۳

۲. مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۲۳۸

۳. خراسانی، وحید، استفتاءات بخش تجارت، سؤال ۲۸۹

نیست نسخه برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌توان مطالبه حق کرد.^۱ عبدالله جوادی آملی (۱۳۲۵ ه.ش) توضیح می‌دهند که: «حقوق طبع، ترجمه و نشر آثار، مختص به صاحب تألیف است، اگر بدون اذن قبلی وی چنین کاری انجام شود، باید با تأدیه حقوق مزبور، رضایت وی تحصیل شود.»^۲

سید محمد موسوی بجنوردی (۱۳۲۲ ه.ش) توضیح می‌دهد که: «تنها چیزی که ما می‌دانیم آن است که «عقلاً بما هم عقلاً» در تمام جوامع، اعم از جوامع اسلامی، مسیحی و زرتشتی، جوامع الهی و غیر الهی متفقاً برای حق طبع، حق انتشار، حق اختراع و سایر حقوق مشابه، ارزش قائل هستند و این مسأله را مختص به ذی حقوق می‌دانند. ما شاهدیم که در کشورهای مختلف دنیا (جهان اسلام، جهان مسیحیت، جهان یهودیت، جهان زرتشتی، جهان بودایی، جهان کفر و الحاد و...) همه متفق اند که «حق طبع»، حق عقلایی از برای ذی حق است و اعتبارش برای اوست. «حق تألیف» مال مؤلف است و اختیارش با اوست و «حق اختراع» یعنی مخترع اولی است از دیگران برای آن چیزی که اختراع کرده است، که «حق الطبع»، «حق الانتشار»، «حق التألیف»، و «حق الاختراع» و غیرذلک، جزء حقوق عقلانی هستند و اسلام نیز، همه آن‌ها را قبول دارد.»^۳

سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۲۷ ه.ش) در رابطه بامبنای حقوق مالکیت معنوی در فقه اسلامی بر این باور است که: «به نظر بنده ما می‌توانیم از مبانی مختلفی در فقه برای اثبات این حق استفاده کنیم، زیرا دست کم از اموری است که نظم جامعه اسلامی اقتضای آن را دارد و همین کافی است که تحت قلمرویی از احکام و قوانین که در اختیار حاکمیت اسلامی است، قرار داده شود و در دستگاه قانون گذاری برای آن قانون وضع کند.»^۴

بند دوم: مستندات و دلایل مخالفان مالکیت‌های معنوی

۱. عدم اعتبار آن از سوی عقل و عقلا

برخی از فقیهان برای مبرهن کردن اندیشه مخالفت با مالکیت معنوی توضیح می‌دهند که: عقل و عقلا در برابر این دسته از تولیدات مابه ازایی، حداقل برای دفعات متعدد قائل نیستند، اصولاً وجود چنین

۱. روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثة، ص ۲۲۲

۲. جوادی آملی، عبدالله، استفتانات، ص ۱۰۷

۳. موسوی بجنوردی، سید محمد، فصلنامه رهنمون، مقاله: استفتانات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی، ص ۲۰۶

۴. هاشمی شاهرودی، محمود، مالکیت‌های فکری تأملاتی در مبنا و گستره، ص ۱۰

حقی را حتی از نظر عرفی به رسمیت نشناخته اند. این دسته از فقها به حکم عقل استشهاد کرده و چنین استدلال کرده اند که انسان‌ها نسبت به تقلید و استفاده از آثار تهیه شده به صورت فطری و ذاتی اقدام می‌کنند و این امر بدین خاطر است که برای تولیدکننده آن، حق مالی در این خصوص قائل نیستند.^۱

عقلا بر این امر اتفاق نظر ندارند که به مجرد طبع کتاب به همت صاحب چاپخانه، اضافه بر کتاب‌هایی که چاپ می‌شود و در خارج است، حقی نیز به وی تعلق بگیرد. همچنین توافق و اتفاق علما بر منع مردم از تقلید و اقتباس ارتکاز پیدا نکرده است؛ برای این که طبیعت و فطرت مردم بر تقلید در همه امور و اعمال و اختراعات و صنعت‌هاست و عقلا تقلید در یکی از امور صنعتی و ساختن شیئی از اشیاء از روی نمونه موجود و احياناً استفاده از نتیجه تفکر گذشتگان و یا کارهای آنان را عرفاً تصرفی در حقوق دیگران، که متوقف بر اجازه صاحبان این صنایع و افکار و اعمال باشد، نمی‌دانند. و طبع کتاب نیز از جریان این سیره عقلا خارج نیست و صرف نظر از این که در زمان شارع منشأ انتزاع این حقوق وجود داشت، با ای وجود اعتبار حق نشده است، و بنا بر عدم اعتبار آن بوده است. به طور کلی می‌توان گفت دلیلی وجود ندارد که نفس اقتباس و تقلید از کار دیگران حرام باشد.^۲

۲. اموال معنوی جزو سرمایه‌های عمومی

برخی دیگر از فقها بر این عقیده اند که اموال معنوی متعلق به شخصی خاص نیست و ناشی از تلاش مستمر افراد جامعه است و قابل تملک شخصی نمی‌باشد، بلکه از سرمایه‌های عمومی و در اختیار حکومت اسلامی است. انفال از این قبیل است. در اندیشه ایشان تولیدات فکری ناشی از تدبیر و تلاش یک نفر نیست، بلکه تلاش‌های مستمر و متوالی افراد جامعه با به کارگیری امکانات طبیعی است که روز به روز تکمیل شده و در نهایت منتهی به تولیدی خاص به دست آخرین تلاشگر می‌شود؛ بنابراین تولیدات فکری متعلق به جامعه است نه فرد. شهید مطهری به این دیدگاه اشاره کرده است، گرچه نمی‌توان ایشان را از مخالفان مالکیت‌های معنوی دانست؛ اما در این مورد، گفته اند: «ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول ماشین را نمی‌توان محصول غیرمستقیم سرمایه دار دانست، بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد، پس ماشین‌های تولید شده نمی‌تواند به اشخاص تعلق داشته باشد. این‌ها مسأله دیگری است.

۱. مطهری، احمد، مستند تحریرالوسیله، کتاب الدیات، ص ۱۸۶

۲. استفتاء از صافی گلپایگانی، لطف الله، استفتانات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی، ص ۲۰۸

این‌ها نقض مالکیت فردی نیست، الغای مالکیت خصوص نیست، بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاصی است، موجبات آن اقتضا می‌کند در آن موارد مالکیت اشتراکی و اجتماعی باشد نه فردی.^۱

۳. عدم منشأ انتزاع این حقوق در شرع اسلام

برخی از فقیهان با این استدلال که شارع با وجود زمینه‌های اعتبار مالکیت فکری در زمان خود، از اعتبار و ذی حق بودن پدیدآورنده سخنی نگفته است و همین امر نشان می‌دهد که مالکیت فکری را به رسمیت نشناخته است. برخی فقیهان چنین گفته‌اند: «شارع، از اعتبار و ذی حق بودن پدیدآورنده سخنی نگفته است و این دلیل بر این است که مالکیت فکری را به رسمیت نشناخته است، این که حق چاپ، نشر، تألیف و حق اختراع به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده است و آثاری که بر آن مترتب نموده‌اند، بر احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمی‌شود.»^۲

۴. تنافی مالکیت فکری با قاعده سلطنت

گفته شد یکی از قواعد حاکم بر حقوق اموال «قاعده سلطنت» است که بر اساس آن، مالک دارای حق هرگونه تصرفی در اموال خود است. این روایت اگرچه دارای سند روایی معتبر نیست اما بسیاری از فقیهان در استدلال‌های فقهی خود به آن استناد کرده و آن را لااقل به عنوان قاعده عقلایی مورد پذیرش قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد اعتبار مالکیت فکری با قاعده سلطنت تنافی دارد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «آن چه که در نزد بعضی، حق طبع نامیده می‌شود، حق شرعی نیست و بنابراین سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون عقد و شرط جایز نیست.»^۳

همچنین درباره حق اختراع می‌گویند: «آن چه که متعارف شده است از این که صنعتی برای مخترع آن ثبت می‌کنند که مانع دیگران از تقلید و تکثیر شده، دارای اثر شرعی نیست و سلب سلطنت غیر از مال و نفسش مجاز نیست.»

همان طور که ملاحظه کردیم، امام خمینی (ره) حق مؤلف و حق اختراع را که نزد عرف ثابت است با قاعده سلطنت بر اموال و نفوس معارض می‌داند و نه تنها دلیلی بر مشروعیت آن نمی‌یابد، بلکه دلیلی بر عدم مشروعیت آن اقامه می‌کند. پیداست که حق مؤلف هنگامی با قاعده سلطنت تعارض پیدا می‌کند که اثر مادی مؤلف به دیگری انتقال داده شود و انتقال گیرنده مالک محسوب گردد و منع تصرف وی

۱. مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلامی، ص ۵۹

۲. استفتائات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی، استفتاء از آیه الله صافی گلپایگانی، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸

۳. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۵

بر اساس حق عرفی مؤلف، خلاف قاعده سلطنت باشد.

۵. تنافی مالکیت فکری با مذاق شریعت

واژه مذاق با مضاف الیه‌های مختلفی مانند «مذاق فقه»^۱، «مذاق اصحاب»^۲، «مذاق قواعد شریعت»^۳، «مذاق عامه»^۴، «مذاق اهل کتاب»^۵ و «مذاق شریعت» برای اولین بار در نوشته‌های صاحب جواهر به کار رفته است. اکنون سخن این است که اعتبار مالکیت فکری با مذاق شرع منافات دارد؛ با این تحلیل که در روایات مختلف بر اشاعه علم، عدم ارتزاق از طریق آن و جایگاه رفیع دانشمندان^۶ اشاره شده است که از مجموعه آن‌ها برداشت می‌شود که شارع، تبادل آزاد علمی را در نظر داشته است و حصر و محدودیت آن را طلب نکرده است. از همین رو، کسانی چون شهید ثانی در کتاب اخلاقی «منیة المرید» بذل علم و نداشتن بخل نسبت به شایستگان را سفارش می‌کند.^۷ این امر با مشروعیت مالکیت فکری تنافی دارد؛ زیرا لازمه پذیرش مالکیت فکری محدودیت در بهره برداری از افکار و دانش دیگران است.

۶. ناسازگاری مالکیت‌های معنوی با آزادی تجارت

مبنای دیگری که بر عدم مشروعیت مالکیت فکری مطرح شده، بحث ناسازگاری مالکیت فکری با آزادی تجارت است؛ زیرا به رسمیت شناختن حق اختراع، موجب می‌شود که دیگران از تقلید در تولید، خرید و فروش کالا بدون اجازه پدیدآورنده محروم گردند. این امر با آزادی تجاری منافات دارد. امام خمینی (ره) در این باره می‌نویسد: «جایز نیست که دیگران را از تقلید و تجارت به آن صنعت منع کرد.»^۸ به دیگر سخن، مخالفت با آزادی و اباحه تجارت نیاز به دلیل خاص دارد و صرف اینکه عرف چیزی را منع کند، کافی نیست. این استدلال نیز مانند سخن سابق است؛ یعنی بر این فرض استوار

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۴۲ و ج ۱۸، ص ۷۱ و ج ۲۶، ص ۱۵۲ و ج ۲۷، صص ۳۸ و ۳۵۸ و ج ۳۹، ص ۲۶۲

۲. همان، ج ۷، ص ۲۲۸

۳. حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت معنوی، ص ۳۷۱

۴. المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۷ و ج ۱۰۵، و ص ۱۵؛ میرزا حسن النوری الطبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۴۶

۵. زین الدین بن علی العاملی (الشهید الثانی)، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، ص ۱۸۵

۶. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ص ۹۹۲

است که نتوان مشروعیت مالکیت فکری را به اثبات رساند.

۷. ناسازگاری مالکیت معنوی با رسالت و قداست علم

در میان فقهاء به ویژه فقهای اهل سنت، با این استدلال که مالکیت معنوی با رسالت و قداست علم از نظر اسلام ناسازگار است، با این مسأله مخالفت کرده اند.^۱ به اعتقاد این افراد، معتبر دانستن این آثار مالکیت معنوی سبب حصر و حبس آثار علمی و کتمان علم می گردد. به عبارت دیگر مانع نشر و پیشرفت علم و به تبع آن، مانع پیشرفت جامعه خواهد شد. که مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾^۲

استدلال شده که به رسمیت شناختن مالکیت های معنوی باعث می شود تولید کنندگان آثار فرهنگی و هنری بدون دریافت پول آثار خود را در اختیار جامعه قرار ندهند و از این بابت جامعه لطمه ببیند. مثلاً چنانچه اختراعی مثل برق انجام شود و مخترع آن بخواهد آن را به قیمت گزافی به دنیا عرضه کند، معلوم است بخش عمده ای از جامعه توانایی بهره مندی از آن را نخواهد داشت و شکاف بین غنی و فقیر روز به روز بیش تر می شود و این مسأله ای است که هرگز شارع مقدس به آن راضی نخواهد بود.

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر واکاوی آرا موافقان و مستندات مخالفان در باب مسئله مالکیت معنوی می باشد. موافقان مالکیت معنوی بیان می کنند که عدم پذیرش حقوق مالکیت معنوی را در جامعه موجب هرج و مرج و مشروعیت آن را امری عقلی دانسته و بر این باورند که: «حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع گذشته وجود نداشته است؛ زیرا مؤلفین در تألیفات و نوشته های خود، منافع شخصی خویش را در نظر نمی گرفتند؛ اما پس از آن که کتاب، وسیله ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود، در مرحله اول خودش استفاده کند؛ زیرا کتابی را که تألیف کرده، ساخته و پرداخته خود اوست و منطقی به نظر نمی رسد که کس دیگری از نوشته و اثر ثروتمند گردد، اما خودش در فقر و احتیاج به سر برد. فلذا در شرایط کنونی، مؤلف این حق را پیدا کرده که از منافع مادی کتاب خود استفاده کند و استفاده دیگران را مشروط به موافقت خود گرداند. برخی از فقیهان با استدلال به این که زمینه های اعتبار مالکیت فکری در آن زمان وجود نداشته، از اعتبار و ذی

۱. شبیر، محمد عثمان، المعاملات المالية المعاصرة في الفقه الاسلامي، ص ۵۶

۲. بقره، آیه ۱۵۹

حق بودن پدیدآورنده، سخنی نگفته است و همین امر نشان می‌دهد که مالکیت فکری را به رسمیت شناخته‌اند. برخی از فقیهان برای مبرهن کردن اندیشه مخالفت با مالکیت معنوی توضیح می‌دهند که: عقل و عقلا در برابر این دسته از تولیدات مابه ازایی، حداقل برای دفعات متعدد قائل نیستند. برخی دیگر از فقها بر این عقیده‌اند که اموال معنوی متعلق به شخصی خاص نیست و ناشی از تلاش مستمر افراد جامعه است و قابل تملک شخصی نمی‌باشد، بلکه از سرمایه‌های عمومی و در اختیار حکومت اسلامی است. انفال از این قبیل است. در اندیشه ایشان تولیدات فکری ناشی از تدبیر و تلاش یک نفر نیست، بلکه تلاش‌های مستمر و متوالی افراد جامعه با به کارگیری امکانات طبیعی استبرخی از فقیهان با این استدلال که شارع با وجود زمینه‌های اعتبار مالکیت فکری در زمان خود، از اعتبار و ذی حق بودن پدیدآورنده سخنی نگفته است و همین امر نشان می‌دهد که مالکیت فکری را به رسمیت شناخته است. گفته شد یکی از قواعد حاکم بر حقوق اموال «قاعده سلطنت» است که بر اساس آن، مالک دارای حق هرگونه تصرفی در اموال خود است. این روایت اگرچه دارای سند روایی معتبر نیست اما بسیاری از فقیهان در استدلال‌های فقهی خود به آن استناد کرده و آن را لاقبل به عنوان قاعده عقلایی مورد پذیرش قرار داده‌اند. کسانی چون شهید ثانی در کتاب اخلاقی «منیة المرید» بذل علم و نداشتن بخل نسبت به شایستگان را سفارش می‌کند.^۱ این امر با مشروعیت مالکیت فکری تنافی دارد؛ زیرا لازمه پذیرش مالکیت فکری محدودیت در بهره‌برداری از افکار و دانش دیگران است. مبنای دیگری که بر عدم مشروعیت مالکیت فکری مطرح شده، بحث ناسازگاری مالکیت فکری با آزادی تجارت است؛ زیرا به رسمیت شناختن حق اختراع، موجب می‌شود که دیگران از تقلید در تولید، خرید و فروش کالا بدون اجازه پدیدآورنده محروم گردند.

۱. زین الدین بن علی العاملی (الشهید الثانی)، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، ص ۱۸۵

منابع و مآخذ

- حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، چاپ دوم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۷ ش
- روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثه، بی جا، دارالکتاب، قم، ۱۴۱۴ق
- زین الدین بن علی العاملی (الشهید الثاني)، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، ص ۱۸۵
- شبیر، محمد عثمان، حقوق معنوی پدیدآورندگان، ترجمه: فرج الله الاهی، فصلنامه کتاب‌های اسلامی، شماره ۸، ۱۳۸۱
- صافی گلپایگانی، لطف الله، استفتاءات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی، استفتاء از آیت الله صافی گلپایگانی، فصلنامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۱ش
- صفائی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، بی جا، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۹ ش
- عمیق، امید، مالکیت‌های معنوی (بررسی دیدگاه امام خمینی «ره» و برخی فقیهان)، چاپ اول، موسسه چاپ و نشر عروج، تهران، ۱۳۹۶ش
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال مالکیت)، بی جا، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴ ش
- لنکرانی، فاضل، جامع الاستفتاءات، بی جا، چاپ مهر، قم، ۱۳۷۷ ش
- مرعشی، سید محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، بی جا، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۳
- مطهری، احمد، مستند تحریر الوسیله، بی جا، انتشارات استاد مطهری، قم، ۱۴۰۸ ق
- مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، بی جا، صدرا، تهران، ۱۳۷۵ ش
- موسوی بجنوردی، سید محمد، فصلنامه رهنمون، مقاله: استفتاءات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی، ص ۲۰۶
- موسوی بجنوردی، سید محمد، میزگرد همشهری پیرامون حقوق آفرینش‌های فکری، ش ۲۴، ۲۳ و ۲۵
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۵
- نجفی، محمد حسن، (تحقیق علی آخوندی)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا

